

جای خالی

بررسی رفتارهای تشکیلاتی
حضرت عباس سلام الله علیه

حجت الاسلام سید علی اصغر علوی
با همکاری:

محمد عبدالحسین زاده

و میلاد موحدیان

با مقدمه:

دکتر محمد رضا سنگری



میراثنامه: عدوی، سید علی اصغر، ۱۳۶۶
عنوان و نام پدیدآور: جای خالی عباس، حجت الاسلام سید علی اصغر علوی
مستحضرات ظاهری: ۲۸۸ صفحه
بنا بر: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۷۹۰۳۰
موضوع: عباس بن علی (ع)، ۹۳۶-۶۶۱ ق. - کرامت‌ها
رده بندی کنگره: BP۴۲ / ۴۲۴۱۳
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۳۷
شماره کد یکتا ملی: ۳۶۴۶۲۹
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

جای خالی عباس

بررسی رفتارهای تشکیلاتی حضرت عباس
حجت الاسلام سید علی اصغر علوی
چاپ اول، ۱۳۹۳ - شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه
تهران - خیابان انقلاب - نرسیده به فلسطین
جنوبی - پلاک ۱۱۱۸ - واحد ۱/۲ - انتشارات بسیج
دانشگاه امام صادق (ع)
تلفن: ۰۹۳۶۳۷۲۴۸۳۴

۶۶۴۸۶۱۲۰

۶۶۴۸۵۸۵۰

www.sadidisu.com

www.Basijisu.com

sadidisu@gmail.com

info@basijisu.ir

فهرست

۲۸	مقدمه استاد
۲۹	مقدمه
۲۴	کربلا به عنوان تشکل ناب شیعی
۲۵	سبک زندگی حضرت عباس
۲۷	زندگی مبتنی بر عزم
۲۹	مجلس حضرت عباس علیه السلام
۲۹	کارگاه تربیت سربازان امام عصر علیه السلام
۳۰	تقریر تشکیلاتی روایت «اذا مات العالم»
۳۲	راز انکسار
۳۴	عباس تشکیلات (رفتارهای تشکیلاتی حضرت عباس)
۳۴	عباس به مثابه نقش، نه شخص!
۳۶	اثر رفتن بر امام و رهبر
۳۷	عباس به مثابه سپاه امام
۳۸	رساندن مجروحین
۳۸	پرچم‌داری سپاه
۳۹	عباس به مثابه نفس امام
۴۰	ماه و خورشید
۴۰	ماهی که از سه خورشید کسب نور کرد
۴۰	دل‌نگرانی عباس
۴۱	هم‌راه نهضت حسینی
۴۱	عباس حسین علیه السلام
۴۲	ساقی گره‌گشا در کربلا
۴۲	سقاویت در ترجمان اطاعت
۴۲	عباس به مثابه هوای حرم
۴۵	پاسداری از خیمه‌ها
۴۶	فرستادن برادران به میدان پیش از خود
۴۶	رد امان‌نامه
۴۸	بهترین الگوی استکبارستیزی
۴۸	«دشمن را باید ناامید کرد!» به سبک حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام
۴۹	عباس به مثابه افسر ارشد امام
۵۰	نماینده‌گی و سخن‌گویی از جانب امام
۵۰	شکستن حلقه محاصره دشمن
۵۱	کندن چاه برای تهیه آب
۵۱	آب هم نخورد
۵۲	جایگاه موااسات در تشکیلات
۵۵	ویژگی‌های تشکیلاتی حضرت عباس
۵۵	ادب
۵۵	عبادت



۵۶	علم
۵۶	شجاعت
۵۷	ایمان به خدا
۵۸	عزت نفس و خویش داری
۵۹	صبر
۵۹	وفاداری
۶۰	الف. وفاداری به دین
۶۱	ب. وفاداری به امت
۶۱	ج. وفاداری به وطن
۶۲	د. وفاداری به برادر
۶۲	قوت اراده
۶۳	مهربانی
۶۴	صفات در زیارت نامه ایشان از امام صادق (ع)
۶۴	تسلیم بودن
۶۶	سلام و ارتباط آن با ولایت معصوم
۶۷	تصدیق
۶۹	وفا
۷۰	نصیحت
۷۲	صفات در روایت امام صادق (ع)
۷۲	الف) بصیرت و تیزبینی
۷۳	ب) ایمان استوار
۷۳	ج) جهاد هم راه حسین
۷۴	صفات در بیان امام زمان (زیارت ناحیه)
۷۶	چرا امام حسین، حضرت عباس را به خیمه ها نبرد؟
۷۶	مقایسه مقام ابوالفضل با دیگر شهدا
۷۷	غبطه به حضرت عباس
۷۸	راز انتخاب مادرش
۷۸	رسالت نیمه تمام، راز باب الحوائجی
۷۹	مقام ولایت پذیری حضرت عباس
۸۰	ولایت پذیری از امام علی
۸۱	ولایت پذیری در زمان تشییع امام حسن
۸۱	عباس شدن!
۸۳	رَجَز یعنی عباس (ع)
۸۳	شرحی بر رجزهای
۸۳	حضرت ابوالفضل (ع)
۸۴	فصل اول: در کناره شط فرات
۸۴	یا نَفْسُ مِنْ بَقْدِ الْخُسَیْنِ هُوْنِی
۸۴	تأثیر تلقین
۸۶	تذکر به نفس
۸۷	گفتمان سازی
۸۹	و اما خود نفس...



- ۹۰ حسینی جهان را بنگریم
۹۱ ذلت یعنی!
۹۳ عاقبت ولایت‌گزیری
۹۴ وَ بَعْدَهُ لَا كُنْتَ أَنْ تَكُونِي
۹۴ دعوا سر اولویت است
۹۵ هَذَا الْخُسَيْنَ شَارِبَ الْعُثُونِ
۹۵ قرب واقعی
۹۶ قرب
۹۷ امام باید امام باشد
۹۸ هم راهی
۹۸ عشق عاقلانه
۹۹ موقعیت‌شناسی
۱۰۰ وَ تَشْرِيحِينَ بَارِدَ الْعَمِينَ
۱۰۰ برادری وفاداری
۱۰۱ افکار، زمینه ساز اعمال
۱۰۳ فصل دوم: هنگام خروج از علقمه
۱۰۲ لَا أَزِيهِبُ الْعُثُوتَ إِذِ الْعُثُوتُ رَقَى
۱۰۳ ترس از...
۱۰۳ مهم‌ترین معیار مساجدش
۱۰۵ یک الگوی خانواده موفق
۱۰۶ آمادگی برای سفر
۱۰۷ درد دلی با عباس
۱۰۸ ختی آواری فی الفصاليات لقی
۱۰۸ باید جلوی دشمن قوی بود
۱۰۹ عباس صفات این چنین‌اند
۱۱۰ نسل نمونه تاریخ
۱۱۰ عباس، اهل سازش نیست
۱۱۲ حب و بغض
۱۱۴ نَفْسِي لِنَفْسِي الْمُضْطَلْفِي الظُّلْمِ وَقِي
۱۱۴ ...و انا من حسين بِحَقِّ
۱۱۵ شرط کربلایی شدن
۱۱۵ چقدر به پدر شباهت دارد!
۱۱۶ هر دو کاشف الکربند
۱۱۶ هر دو مقام برادری دارند
۱۱۷ مقام سقایی
۱۱۷ باب الحوائج
۱۱۷ علم‌داری
۱۱۷ بذل جان
۱۱۸ إِنِّي أَنَا الْعَبَّاسُ أَغْذُو بِالْشَقَا
۱۱۸ ایجاد وحشت در دل دشمن
۱۱۸ مقام سقاییت

۱۱۹	وَلَا أَخَافُ الشَّرَّ يَوْمَ التَّلَافِي
۱۱۹	اشتیاق به لقای خدا
۱۱۹	چرا روز ملاقات
۱۲۱	فصل سوم: ایثار دست راست
۱۲۱	وَاللَّهِ إِنِّي قُضِعْتُ يَمِينِي
۱۲۱	اهمیت استفاده از قسم جلاله!
۱۲۲	نیمه بر لیوان را دیدن
۱۲۲	إِنِّي أَخَافُ أَبَدًا عَنِ دِينِي وَعَنِ إِمَامٍ صَادِقٍ الْيَقِينِ
۱۲۳	روحیه مقاومت
۱۲۵	دین داری به سبک عباس
۱۲۶	اسلام ناب یا اسلام آمریکایی
۱۲۷	منشأ انحراف
۱۲۸	استواری در ایمان
۱۲۹	صداقت در ایمان
۱۳۰	تَجَلَّى النَّبِيِّ الْفَاطِمِي الْأَمِينِ
۱۳۰	احیای نبوت
۱۳۰	جانفشلی در راه امام
۱۳۰	(بازلاً قینا میچینه)
۱۳۰	آمانگی ملاقات الهی
۱۳۰	(موطناً علی لقاء الله نفسه)
۱۳۰	کربلایی شدن
۱۳۲	عصمت اهل بیت علیهم السلام
۱۳۳	امانت داری
۱۳۵	فصل چهارم: بی دست شدن علم دار
۱۳۵	يَا نَفْسُ لَا تَخْشِي مِنَ الْكَفَّارِ
۱۳۵	کافران مسلمان نما
۱۳۶	مأیوس نشدن در هر شرایطی
۱۳۷	اِزْأَحِمِ دُشْمَنَ نَفْسِي
۱۳۸	والبشرى بر خمة الجنار
۱۳۸	زندگی قرآنی
۱۳۹	اصالت با چیست؟
۱۴۰	رحمت خدای جبار
۱۴۳	مع النَّبِيِّ الشَّيْذِ الْمَخْتَارِ
۱۴۳	هم نشینی با رسول اکرم ﷺ
۱۴۵	قَدْ قُطِعُوا بَيْنَهُمْ بِيَارِي
۱۴۵	چرا امت مسلمان امام کش شدند؟
۱۴۶	فَأَصْلُهُمْ يَا رَبِّ حَزَنٌ
۱۴۶	شکایت به درگاه الهی
۱۴۷	شرحی بر زیارت
۱۴۷	حضرت عباس علیهم السلام
۲۷۷	بی نوشت ها

جای خالی عباس

مقدمه استاد

باسمه تعالی

نام‌ها گاه، سلسله صفات و شبکه فضیلت‌ها را تداعی می‌کنند و در این میان هیچ نامی را نمی‌شناسم که شکوه و شوکت نام عباس یافته باشد، نامی رشک‌انگیز و اشک‌انگیز، رشک همه خوبان در عرصه رستاخیز و اشک همه آنان که به شوق می‌گریند و جلال و جمال ابوالفضل را ادراک می‌کنند.

تنها توصیف عباس شناس بزرگ، موعود عصرها و نسل‌ها کافی است که دریابیم این قله رازناک و این اقیانوس کران‌ناپیدا را نمی‌توان با پیمانانه حقیر واژه‌ها شناخت:

السَّلَامُ عَلَى ابِي الْفَضْلِ الْعَبَّاسِ بْنِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، الْمُوَاسِي أَخَاهُ بِنَفْسِهِ،
الْأَخِذَ لِيَعْدِيهِ مِنْ أَمْسِهِ، الْفَادِي لَهُ الْوَاقِي، السَّاعِي إِلَيْهِ بِمَائِهِ، الْمَقْطُوعَةَ
يَدَاهُ...'

سلام بر فرزند برومند علی، ابوالفضل العباس که غم خوار و غم‌گسار و جان‌نثار برادر بود و دیروزش را به پای فردایش قربانی کرد. فدایی و نگهبان و پاسدار امام بود، آب (آبرو) به کربلا بخشید و دستان بریده‌اش (پیوندگاه کربلا و تاریخ شد).

در این سلام، عباس بن علی گفته نشده، عباس بن امیرالمومنین، طلعه سلام است و این نسبت، خودگویای چه دقایق و لطایفی است که تنها اهل بصیرت و معرفت می‌فهمند.

در سلام موعود، عباس «مواسی» است و مواسی، کسی است که اندوه خویش را در اندوه دیگران گم می‌کند و محور «خود» را به پاس داشت ناز و نیاز دیگران می‌گسلد و در این میانه «خویشتن» نمی‌خواهد و نمی‌بیند



و عباس در «حسین» گم شده است و همه، او می بینند و او می خواهد، حتی در موج خیز علقمه، تصویر حسین فراچشم اوست که می گوید: هذا حسین شارب المنون.

در حلقه مدیریت عاشورا، در جنگ روانی دشمن، در شیهه و قهقهه و تمسخر و شماتت و دشنام و غبارخیزی اسب های مهاجم، خیمه ها به برکت «مواسی» خویش - عباس - آرام می شوند و در میدانی که از غبار «تار» شده است، چشمان حسین، عباس می جوید و صدا می زند: بنفسی انت یا اخی و پاسخ می یابد: لبیک سیدی، لبیک مولای و به تعبیر مکاشفه ای شاعر در «کدر العجاج» عاشورا ماهتاب کربلا، تاریکی می شکند و ظلمت می زداید. «والشمس فی کدر العجاج لثامها»

چه مدیریتی بر زمان دارد عباس! از دیروز برای فردا می گیرد و لحظه هایش را برای اکنون هزینه نمی کند، همه فردا مال اوست چون همه دیروز و امروز را می بخشد و به تعبیر شگفت خودش در علقمه «انی أحمی ابدًا عن دینی» او در ابدیت جاری است و ابدیت جرعه نوش مشک زلال اوست. جرعه نوش مشکی که تشنگی دیگران دید و لب های ترک بسته خویش را در محرومیت علقمه جا گذاشت تا همه «لب های حق گو» او را بخوانند و نام او تبرک لب ها و آبرویخش زبان ها و زمان ها باشد.

ابوالفضل «مدیر مستمر تاریخ» است، مدیر ابدی انسان، چرا که «زمان» خود را به فردا بخشید و پروای دیروز و امروز نداشت. شگفتا عباس که به پاس این مدیریت هرچه فردا تر می شود از او بیش تر می گویند و در فردای ناگزیر قیامت چنان بشکوه می آید که غبطه، سهم همه چشم ها و لب ها می شود!

عباس «فادی» و «واقی» است، فدایی نگهبان، امروز هرچه

جایالی عباس

میراث ارجمند و سترگ است ره آورد نگهبانی بصیر عاشورا است؛
نافذ البصیره ای که نگهبان و محافظ همه ارزش ها و عظمت ها شد
و با دستان بلیغ و رشید همه آن چه را «همیشه انسان» نیازمند است
به انسان بخشید.

عباس «ساعی» بود. سعی عاشقانه و عارفانه او، باید قبله امروز ما
باشد. با «سعی» او باید به «صفا» برسیم که اگر «سعی» عباس نبود حج
و لبیک و مشعر الحرام و مسجد الحرام رونقی نداشت.

سعی آب آور عباس اگر نبود همه دریاها تبخیر می شدند، مرداب
می شدند، آب بی آبرو می شد و کام ها، عطشی مرگ بار را تن می دادند.
عباس، دو دست به تاریخ بخشید تا تاریخ دستی بر زمین بگذارد و
برخیزد و راه بسپارد؛ تا رسم دستگیری از جهان نیفتد تا «سقاوت» در
فرهنگ و قاموس انسانی گم نشود.

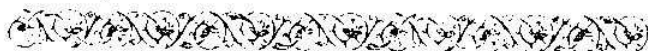
عباس با این نگاه دیگر یک «نام» نیست، نام همه خوبی ها و
«فضیلت» هاست، ابوالفضل است؛ ابوالفضائل.

و این نوشته های برخاسته از جان که به مدد نفس رحمانی
باب الحوائج است و قطره های اشک قلبی عباس آشنا، دریچه ای است
تا به باغ سبز و آسمان فراخ «قمر» و اقیانوس کران ناپیدای «ساقی» چشمی
بیندازیم و این «مدیر رشید» را بهتر و بیش تر بشناسیم.

برادر عزیز و فرهیخته و ادیب و نکته یابم سید علی اصغر علوی را
سپاس که این جرعه را به جام جان تان بخشیده است. توفیقاتش مستمر
و عباس عاشورا، یاور و یار همواره اش باد.

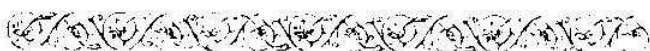
محمد رضا سنگری

۹۳/۵/۲۶



مقدمه

۱. اگر جوانی در جوانی اش قرآن بخواند قرآن با گوشت و پوستش درمی آمیزد.^۱
۲. حسین عدل قرآن هست و قرآن هم عدل حسین است.
- ۱ و ۲: اگر جوانی هم حسین را در جوانی مطالعه کند، حسین با گوشت و پوستش درمی آمیزد.
- او هم به مرزهای مقام بلند «حسین منی...»^۲ نائل می شود!
- همه وجودش با حسین به هم می آمیزد و یکی می شود، از حسین می شود، با حسین می شود...
- نتیجه: نگاهش به عالم شبیه نگاه حسین به عالم می شود؛ افق دیدش، اصلاً تحلیل هایش همه و همه در مدار امام حسین تعریف می شود، دیگر رنگ و بوی امام حسین را در کارهایش می شود به عینه دید. تذکر: عاشورا پژهی به دانش نیست! غایت عاشورا پژهی شبیه حسین شدن است. اوج شناخت کربلا در جاذبه حسین گرفتار شدن و با او یکی شدن است. سلوک در حسین تا به حسین رسیدن وصول به مقام «منا» ست: حسین منی و انا من حسین!
- باید هر شب دید چقدر به حسین نزدیک تر شده ایم، باید در مراقبات شبانه به این پرسش پاسخ داد: چقدر حسین تر شده ایم؟
- منیت ها باید در حسین فانی شود، اصلاً در آینه ها باید به جای تصویر خود، او را دید! آن چنان که در تحلیل عرفانی رفتار ابوالفضل در کنار شریعه این گونه گفته اند: دست در آب برد تا ببیند چقدر حسین شده است؟ او دست در آب برد تا «او» را ببیند، چرا که دیگر از عباس چیزی نمانده است! هر چه هست حسین است.



و در رجز رمزا لودش ہم کہ مؤید این فرضیہ است، این مطلب قابل پیگیری است...

چقدر شبیہ حسین شدہ ای؟ در آب خودت را ببین! از این رو در آیینہ زلال آب، تصویر حسین را می بیند نہ تصویر خودش را! این حسین دارد مرگ می نوشد و تومی خواہی آب بنوشی؟
این حسین - ونہ آن حسین - «هَذَا الْحُسَيْنُ شَارِبُ الْمُنُونِ»^۴ رجز عباس است و تجلی معرفت او: هَذَا الْحُسَيْنِ - ونہ ذلک... - اشارہ بہ نزدیک است.

فرہنگ عاشورا، فرہنگ ایثار و سخاوت و فتوت است. از صحنہ ہای شگفت و شکوہ مند و حماسی کربلا، تشنہ کام بیرون آمدن سردار رشید کربلا، ابوالفضل العباس از شریعہ فرات است. او مشک را از زلال علقمہ پر کردہ است. کف بر آب می زند و آب را تا فضای لب ہای خشکیدہ و کام تشنہ فرا می آورد و ناگہان بہ یاد عطش برادرش حسین علیہ السلام و کودکان حرم، آب را پرتاب می کند و با خویش زمزمہ می کند کہ:

يَا نَفْسُ مِنْ بَعْدِ الْحُسَيْنِ هُونِي وَبَعْدَهُ لَا كُنْتُ أَنْ تَكُونِي
هَذَا الْحُسَيْنُ شَارِبُ الْمُنُونِ وَتَشْرَبِينَ بَارِدَ الْمَعِينِ
تَاللَّهِ مَا هَذَا فِعَالٌ دِينِي^۵

ای نفس! بعد از حسین خوار باش و ہرگز نخواہم کہ پس از او زندہ بمانی؛ این حسین است کہ دل از حیات شستہ و تو آب سرد و گوارا می نوشی! بہ خدا قسم، این شیوہ دین من نیست.

ہمہ اہل بیت علیہم السلام وقتی از زیارت امام حسین علیہ السلام فارغ می شدند، بہ علقمہ سری می زدند و بہ زیارت یار باوفای امام حسین علیہ السلام می پرداختند. خیابان منتهی بہ حرم حضرت عباس (خیابان بین الحرمین) فرصتی برای

... ..

تأمل در شخصیت حضرت عباس علیه السلام است. حرم حضرت عباس علیه السلام از دیگر شهدا جدا شده است تا فرصت خلوت در این شخصیت بهتر فراهم شود و بتوان سلوک ذیل این شخصیت داشت. جای خالی عباس به دنبال این است که دریچه‌ای باشد به سوی تفکر در شخصیت حضرت عباس بن علی علیه السلام...

www.ketab.ir

